



126

Vol. 33
Autumn 2024
P.P: 151-174

Research Paper

Received:
2023-11-05
Revised:
2023-12-09
Accepted:
2024-08-14
Published:
2024-11-12

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Defense Policy

AUKUS: An Alliance Strengthening Regional Security or a Chaos Disruptor Coalition?

Mohammad jamshidi¹ | sahel Abdollahi manesh²

Abstract

Although the concept of “unity” has been a contentious and debatable issue from a theoretical perspective, particularly in terms of relevant definitions, undoubtedly any form of “activism” on the international stage necessitates a call for cooperation, alliance and coalition within the foreign policy agenda. This perspective resulted in the formation of a trilateral security Pact among three nations namely Australia, the United Kingdom and the United States in September 2021. This alliance draws inspiration from a long history of shared security, political and civilizational ties among the mentioned states. Simultaneously, it has been heralded by their leaders as an innovative response to the emerging threats in the Asia-Pacific region, with a particular focus on challenges posed by China. In this article, employing the qualitative research methodology, specifically the explanatory approach, we aim to address the question: “How has the security alliance inked by the three nations of the USA, the UK and Australia, in the form of the AUKUS Treaty (2021), impacted the security landscape within the Asia-Pacific region?” Our hypothesis suggests that, the AUKUS Treaty, in spite of possessing the characteristics of a security alliance, such as maximum involvement of the three Anglo-Saxon Powers in terms of nuclear cooperation, it has the capability to activate and absorb other security alliances in the region as well. However, due to the fact that the Pact has disregarded the logic of non-proliferation and triggered the balance of threats, it has undermined the regulations concerning Nuclear Non-proliferation Treaty and escalated China’s tension-inducing standpoint, which can confront the region with new security crises.

Keywords: Alliance; AUKUS; Nuclear Proliferation; The Three Anglo-Saxon powers; China.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

2. PhD student of regional studies, University of Tehran, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.126.6.7





آکوس؛ اتحادی مقوم امنیت منطقه‌ای یا ائتلافی آشوب‌ساز؟

محمد جمشیدی^۱ | ساحل عبداللہی منش^۲

چکیده

هرچند «اتحاد» از بعد نظری و بویژه تعاریف مربوطه، مقوله‌ای مناقشه‌انگیز و مجادله‌آمیز بوده؛ اما بی‌تردید هر نوع «فعال‌گرایی» در عرصه بین‌المللی، ضرورت استقبال از همکاری، اتحاد و ائتلاف در دستورکار سیاست‌خارجی را پیش می‌کشد. بر این پایه، پیمان امنیتی آکوس که میان استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده در سپتامبر ۲۰۲۱ منعقد شد، از یک سو ملهم و متأثر از بستر تاریخی طولانی از اشتراکات امنیتی، سیاسی و تمدنی میان این سه بوده؛ و از سوی دیگر، به عنوان پاسخی ابتکاری در مواجهه با قانون‌های تهدید در منطقه آسیا-پاسفیک (بویژه چین) از سوی رهبران تلقی شده. در این نوشتار، بر مبنای روش پژوهش کیفی که از سازوکار توضیحی-تبیینی سود می‌برد، پاسخ‌یابی برای این پرسش مدنظر است که: اتحاد امنیتی میان سه دولت امریکا، بریتانیا و استرالیا در قالب پیمان آکوس (۲۰۲۱)، چگونه بر روند امنیتی‌سازی در منطقه آسیا-پاسفیک تأثیرگذار بوده است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ مربوطه در این فرضیه قابل تدقیق باشد که: پیمان آکوس به رغم برخورداری از ویژگی‌های یک اتحاد امنیتی از جمله مشارکت حداکثری سه قدرت آنگلو ساکسون بر محور همکاری هسته‌ای و برخورداری از قابلیت فعال‌سازی و جذب دیگر اتحادهای امنیتی در منطقه، به دلیل نادیده‌انگاری منطق ناظر بر منع اشاعه و دامن زدن به شرایط توازن تهدید، می‌تواند از طریق تضعیف قواعد ناظر بر منع اشاعه هسته‌ای و تشدید مواضع تنش‌زای چین، منطقه را با بحران‌های جدید امنیتی مواجه نماید.

کلیدواژه‌ها: اتحاد، آکوس، اشاعه هسته‌ای، قدرت‌های سه‌گانه آنگلو ساکسون (امریکا، بریتانیا و

استرالیا)، چین

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران
mjamshidi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران



مقدمه

اتحادها همواره در تاریخ روابط میان دولت‌ها و سیاست بین‌الملل «پدیده‌ای محوری» بوده و شاید به همین دلیل است که برخی نویسندگان معتقدند که هر نوع بحث در مورد روابط بین‌الملل بدون اشاره به اتحادها ناقص خواهد بود. در این میان، همپیوندی مقوله اتحاد با ملاحظات امنیتی و نظامی قدرت‌های بزرگ به اهمیت موضوع افزوده و حتی می‌توان از این نوع جهت‌گیری تحلیلی برای تفکیک نظم‌های بین‌المللی هم سود برد. بر این پایه، برخلاف قرن گذشته بویژه دوره جنگ سرد که «موقعیت و الگوی توزیع قدرت» و اتحادهای حاصله قابل تشخیص بود، قرن جدید از این زاویه تفاوتی فاحش دارد، به این معنا که سیالیت الگوهای تعامل و قوانین بازی، هر نوع تحلیل را به ورطه بحران تعریف و ناپایداری سوق داده و می‌دهد. در ابتدا به دلیل فقدان «الگوی روشنی از توازن قدرت در حال ظهور» در عصر پسا جنگ سرد، چندان نشانه راهگشایی از تحلیلی ساختاری مشاهده نمی‌شد، چالشی که دامنه و دورنمای برداشت‌های اندیشه‌ورزان را به تأملاتی چون «ظهور نظام چندقطبی» بر محور نقش‌آفرینی قدرت‌های نوظهور و صفحه شطرنج گونه الگوی توزیع قدرت، محدود می‌کرد.

به رغم حوادث مهمی چون الحاق چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) (که افزایش ثروت خالص جهانی البته بدون اصلاحات سیاسی در داخل - را به دنبال داشت)، به نظر می‌رسد که ابتکار راهبردی چین در دهه دوم قرن کنونی مبنی بر رهاسازی سیاست «مقاصد پنهان»^۱ و آشکار کردن تمایل به برخورداری از سیاست خارجی قاطع، امریکا و غرب را با دستور کار امنیتی جدیدی بر محور «مقابله با راهبرد شرقی‌سازی جهان»^۲ مواجه کرد. در این مورد، اعلام ابتکار کمربند و جاده در سال ۲۰۱۳ و ابراز تمایل پکن برای ایجاد یک نظم بین‌المللی جدید، به حساسیت شرایط افزود. در ادامه، طیفی از وقایع شوک‌آور یعنی الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، دیدگاه ترامپی درباره نظم جهانی، (که بدلیل نداشتن سیاست خارجی منسجم در رابطه با آینده نظم بین‌المللی، امریکا را از متحدان اروپایی خود دور کرد)، عقب‌نشینی عجولانه آمریکا از افغانستان (که باعث انتقادات شدیدی از سوی متحدانش شد)، آشکار شدن چالش‌ها و نقاط

1. bidding time, hiding intentions' strategy
2. easternization of the world

آسیب‌پذیر گریبانگیر غرب برای اتخاذ نوعی اقدام هماهنگ در مواجهه با تهدیداتی چون توسعه-طلبی مسکو، قابل توجه بود. در این شرایط، که بویژه ایالات متحده برای بازیابی خود به شدت به یک "اتحاد سفید" نیاز دارد، به نظر می‌رسد که همکاری استراتژیک ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱ در قالب پیمان امنیتی آکوس، بیش از بروز واقعه‌ای اتحادبخش میان امریکا و متحدین غربی، به جلوه‌ای از تشدید شکاف در این میان دلالت دارد. مقاله پیش رو قصد آن دارد که در جهت پاسخ به این پرسش که: اتحاد امنیتی میان سه دولت امریکا، بریتانیا و استرالیا در قالب پیمان آکوس (AUKUS) (۲۰۲۱)، چگونه بر روند امنیتی‌سازی در منطقه آسیا - پاسیفیک تأثیرگذار بوده است؟، بر این فرضیه اتکا نماید که: پیمان آکوس به رغم برخورداری از ویژگی‌های یک اتحاد امنیتی از جمله مشارکت حداکثری سه قدرت آنگلو ساکسون بر محور همکاری هسته‌ای و برخورداری از قابلیت فعال‌سازی و جذب دیگر اتحادهای امنیتی در منطقه، به دلیل نادیده‌انگاری منطق ناظر بر منع اشاعه و دامن زدن به شرایط توازن تهدید، می‌تواند از طریق تضعیف قواعد ناظر بر منع اشاعه هسته‌ای و تشدید مواضع تنش‌زای چین، منطقه را با بحران‌های جدید امنیتی مواجه نماید. روش پژوهش مورد نظر روش کیفی بوده که از طریق سازوکار توضیحی - تبیینی پیش می‌رود.

چارچوب مفهومی: اتحاد

به طور کلی نظریه‌های اتحاد به این مسئله می‌پردازند که دولتها در دستیابی بهتر به اهداف خود بویژه از ابعاد امنیتی - سیاسی و اقتصادی مشترک، ناگزیر از ایجاد اتحاد و ائتلاف با دیگران هستند. منطق ناظر بر برداشت یاد شده در عصر جهانی شدن و پیچیدگی روزافزون در هم‌تنیدگی روابط علی در عرصه بین‌المللی نیز کماکان راهگشاست؛ چرا که در دنیای کنونی اقدام انفرادی دولتها به مراتب مشکل‌تر و پرهزینه‌تر از قرون گذشته است. نکته مزبور از زاویه «ظهور کانون‌های جدید تهدید» از اهمیت و نافذیت بالاتری برخوردار می‌شود.

به رغم اهمیت یاد شده، کماکان «اتحاد» از بعد نظری و بویژه تعاریف مربوطه، مقوله‌ای مناقشه‌انگیز است. در این رابطه توجه به چند مورد قابل توجه است: والت اتحاد را آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل (Walt, 1987: 12) دانسته؛

مورگنتا اتحادها را شکل ویژه‌ای از همکاری‌های بین-المللی میدانند که "با یک موافقت‌نامه مکتوب و رسمی میان دو یا چند دولت که برای مدت معینی به قصد پیشبرد منافعشان، به ویژه در ارتباط با امنیت ملی"، ایجاد شده (مورگنتا: ۱۳۸۴، ۳۰۹). لیسکا اتحاد را در قالب نوعی همکاری رسمی دانسته که بین دو یا چند کشور علیه کشور ثالث تهدیدکننده شکل می‌گیرد. در نهایت باید از مرشایمر گفت که اتحاد را واکنش مقابله‌ای به یک رفتار تجاوزگرانه از طرف دولت دیگر دانسته و بویژه اینکه «بیشینه‌سازی قدرت» را در دستور کار اتحاد می‌داند. افزون بر آن، به زعم وی، اتحاد بر ظرفیت دولتها افزوده و نوعی بازدارندگی نیز در پی دارد (قوام، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۱). به عنوان نوعی جمع‌بندی از تعاریف بالا می‌توان گفت که وجه مشترک تعاریف این است که: اتحاد را باید در قالب نوعی رابطه خاص بین دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خاص دانست، اما در عین-حال، برخی صرفاً اتحادهای رسمی، بعضی هم اتحادهای رسمی و هم اتحادهای غیررسمی، طیفی صرفاً مسائل امنیتی و برخی هم علاوه بر آن، مسائل غیرامنیتی را نیز مدنظر دارند (قوام: ۱۳۹۰: ۴۰ و ۴۴).

نکته بعد به «دلایل شکل‌گیری اتحاد» مربوط است، که در این مورد به عوامل خارجی و داخلی توجه شده. در میان عوامل خارجی از دو مقوله «موازنه قدرت» و «موازنه تهدید» سخن گفته شده؛ که در اولی صف‌بندی دولت‌های طرفدار وضع موجود در مقابل دولت‌های تجدیدنظرطلب مورد تأکید بوده (قوام: ۱۳۹۰، ۵۰) و دومی بر محور «تهدید» و چگونگی برداشت از آن (نه قدرت و موازنه حاصل از آن). البته در این مورد به نقش اثربخش چند متغیر هم تأکید شده که عبارتند از: نزدیکی جغرافیایی، توانایی‌های تهاجمی، توزیع امکانات و درک نیت تجاوز (Walt, 1987, p. 22-26). در این مورد، برخی مدعی‌اند که در چارچوب نظریه نئورئالیسم هدف اصلی هر دولت بقا است و دولتها برای صیانت از آن دست به ایجاد اتحاد می‌زنند (Alviani, Pedrasan, 2023: 1). بنابراین، باید گفت برای شکل‌گیری یک اتحاد باید دو عامل اصلی یعنی تهدید مشترک و منافع مشترک وجود داشته باشد (قوام: ۱۳۹۰، ۵۱). در مورد متغیرهای داخلی برخی به عامل «حفظ رژیم حاکم در مقابل مخالفان داخلی» توجه داشته (قوام: ۱۳۹۰، ۵۲) در همین راستا، دבורا لارسون از مقوله "رویکرد نهادی" سخن می‌گوید. وی بر مبنای یافته‌های تحلیلی حاصل از مطالعه رفتار قدرت‌های کوچک اروپای مرکزی و شرقی در قبال آلمان در دهه ۱۹۳۰،

بر این قاعده تأکید دارد که اتحادسازی ریشه در نگرانی نخبگان سیاسی دولتی ضعیف برای حفظ بقای سیاسی خود دارد (Larson:1991,103).

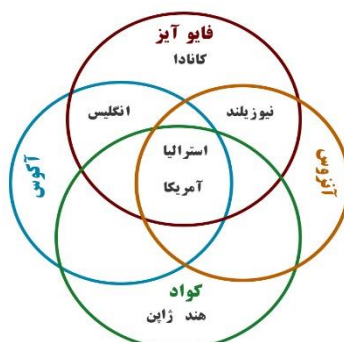
بحث نهایی را به موقعیت مقوله اتحاد در نظریه‌های روابط بین‌الملل بویژه رهیافت‌های آرمانگرایی و واقع‌گرایی اختصاص می‌دهیم. از زاویه آرمانگرایی رفتار اتحادساز دولت‌ها در ارتباط با مقوله‌هایی چون اشتراکات فرهنگی دولتها، جنبه‌های ایدئولوژیک اتحاد و همچنین مسائل اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که نظریه‌های اتحاد بیشتر متأثر از مکاتب فکری واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی است؛ چرا که بر اساس این مکتب فکری، قدرت، تهدید خارجی و بویژه ساختار آنارکیک سیستم و اثرگذاری قطعی آن بر رفتار و دغدغه‌های امنیت‌گرای دولت‌ها همراه با جهت‌گیری ملهم از ارتقاء منافع متحدین، تعیین‌کننده نهایی تشکیل اتحادها است (Wight:1978,12). در این زمینه، دیدگاه نوواقع‌گرایی نسبت به عوامل مؤثر بر اتحادسازی با نقدهایی مواجه شده، چنانکه شولر بر مبنای چارچوب تحلیلی «موازنه منافع»، مدعی است مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده همسویی دولت‌ها را «سازگاری اهداف سیاسی» باید دانست. به طور خلاصه، به گفته شولر، رفتار یک دولت در قالب اتحاد لزوماً با حضور یک تهدید خارجی تعیین نشده، بلکه با فرصت‌هایی برای کسب سود و منفعت تعیین می‌شود (Schweller:1994,105, 88).

نگاهی به سابقه همکاری امنیتی میان ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا (قبل از شکل‌گیری پیمان آکوس)

سابقه همکاری‌های امنیتی- نظامی میان آمریکا و استرالیا به حدود یک قرن بالغ شده، چارچوب تعاملی که به رغم نوسانات حاصل از تحولات بین‌المللی، همواره پویا و قدرتمند باقی مانده است. در این مورد بیان شده که تئودور روزولت رئیس‌جمهور آمریکا در دهه نخست قرن بیستم، مبنای روابط مزبور را بنا نهاد، آنچه که در سال ۱۹۰۸ در قالب قرارداد نظامی دو جانبه بر محور مقابله با تهدید نظامی ناوگان دریایی ژاپن، شکل گرفت. پیمان آنزوس «ANZUS» در سال ۱۹۵۱ نمونه دیگری از همکاری امنیتی میان این دو به همراه نیوزلند می‌باشد، که حفظ امنیت در منطقه اقیانوسیه را مدنظر داشت. با این حال، بسیاری بر این باورند که اتحاد دیرینه بین این دو در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما تقویت شده است.

(Congressional Research Service, 2020)، آنچه که متأثر از جهت‌گیری امریکا بر محور «سیاست موازنه مجدد در آسیا» به استقرار تفنگداران دریایی و نیروی هوایی این دولت در خاک استرالیا منجر شد. در این مورد کسانی نیز بر این باور بودند که استرالیا به ستون مرکزی سیاست موازنه اوباما در منطقه هند-پاسفیک تبدیل شده (Vaughn & Lum, 2015). در نهایت، باید از «گفتگوی چهارجانبه امنیتی کواد» Quad سخن گفت، که هر چند برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ منعقد شد (Tow, 2008)؛ اما در سال ۲۰۱۷ در سایه مشارکت امریکا، استرالیا، ژاپن و هند شکل گرفت (Congressional Research Service, 2020). هدف اصلی کواد ایجاد اتحاد برای مقابله با نفوذ چین در هند-پاسفیک و همچنین به عنوان ابزاری برای حفظ نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین بوده است؛ که شامل حفظ نظم مبتنی بر قوانین در هند-پاسفیک می‌شد (Australian Government Department of Foreign Affairs and Trade, 2017). ناگفته نماند که حضور استرالیا در «مانور دریایی مالابار» در سال ۲۰۲۰ بشدت مورد توجه قرار گرفته، چرا که این اولین باری بود که در چارچوب مانور یاد شده (که سابقه آن به ۱۹۹۲ می‌رسد)، تمام اعضای کواد حضور داشتند (Roche, 2020).

در پایان این بحث لازم به ذکر است که اولاً از زمان جنگ جهانی دوم، بریتانیا و استرالیا تقریباً در تمام عملیات‌های نظامی برون‌مرزی ایالات متحده شرکت داشته‌اند؛ که در این میان، بسیاری به «گروه اشتراک اطلاعات فایو آیز» Five Eyes «(به همراه کانادا و نیوزلند) (۱۹۴۶) تأکید داشته‌اند. اما فراتر از موارد مزبور، برخی مدعی‌اند که این نوع همکاری طولانی امنیتی میان سه دولت یاد شده، به تجربه‌ای خاص در حوزه همکاری امنیتی بر پایه اشتراکات عمیق فرهنگی و تمدنی اشاره دارد (Cheng, 2022). نکته دیگر اینکه استرالیا و بریتانیا به همراه مالزی، نیوزیلند و سنگاپور بخشی از «ترتیبات دفاعی پنج قدرت» را در سال ۱۹۷۱ شکل دادند (Congressional Research Service, 2020). در نهایت همکاری امنیتی سه کشور در قالب پیمان آکوس در سال ۲۰۲۱ شکل گرفت (شکل ۱).



شکل ۱. گروه‌های دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی

آکوس؛ شکل‌گیری و اهداف:

همکاری استراتژیک ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱ در قالب «پیمان امنیتی آکوس» اعلام شد؛ پیمانی برای به اشتراک گذاشتن دانش دفاعی پیشرفته و تجهیز نیروهای استرالیایی به زیردریایی‌های هسته‌ای (Cheng, 2022: 1). در این مورد بیان شده که آمریکا و استرالیا پس از جشن گرفتن هفتادمین سالگرد اتحادشان در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۱، در یک اقدام تاریخی دیگر، از ایجاد یک شراکت امنیتی سه جانبه پیشرفته به نام "آکوس" خبر دادند؛ که ارتقای همکاری امنیتی در منطقه هند-پاسفیک و تحقق درجه بالایی از یکپارچگی سه کشور در علوم، فناوری، صنعت و زنجیره تامین مرتبط با دفاع را در دستور کار دارد (The White House, 2021). آکوس از نظر تاریخی تنها ائتلاف نظامی چندجانبه تازه در حال ظهور در منطقه آسیا و اقیانوسیه در سه دهه گذشته است. افزون بر آن، منطقه هند - پاسفیک منطقه‌ای بسیار حیاتی است، زیرا بخش زیادی از عملیات‌های دفاعی بسیاری از کشورها در این منطقه اتفاق می‌افتد. بر این مبنای آمریکا، انگلیس و استرالیا با درک اهمیت منطقه، اتحاد مزبور را در راستای ایجاد هند - پاسفیک آزاد و باز و تبدیل شدن آن به منطقه‌ای عاری از اجبار و احترام به حقوق بشر، در دستور کار قرار دادند (Alviani, Pedrason, Sudibyo, 2023:1656). در همین ارتباط بیان شده که آکوس رسالت تقویت دیگر همکاری‌های امنیتی در منطقه را نیز در دستور کار دارد. در این مورد به نشست «گفتگوی وزرا ۲+۲» اشاره شده که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ میان وزرای خارجه و دفاع هند و استرالیا

برگزار شد (Cheng, 2023: 1). در ادامه به مهمترین اهداف و منافع بازیگران مشارکت‌کننده در اتحاد مورد بحث، توجه می‌شود:

آمریکا و آکوس

برخی بر این باورند که فراتر از ادعای رهبران سه دولت که آکوس را صرفاً ابزاری برای حمایت از استرالیا به منظور دستیابی به زیردریایی‌های هسته‌ای معرفی کرده‌اند (The White House, 2021)، باید به انگیزه‌های مولد اتحاد، از منظر «امنیت و منافع ملی» نگرست. در این مورد ملاحظات امنیتی آمریکا از اولویت و نافذیت خاصی برخوردار بوده. این دولت چین را به عنوان کنشگری چالشگر بویژه در ابعاد دفاع و امنیت می‌بیند که باید مهار گردد؛ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر که در ارتباط با منطقه از اهمیت بیشتری نیز برخوردار شده. در این مورد می‌توان به سند «استراتژی هند - پاسیفیک» آمریکا توجه کرد، که تصریح دارد که چین به دنبال تبدیل شدن به تاثیرگذارترین قدرت جهان است، در عین حال از طریق ترکیب قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی، دستورکار خاصی را در جهت نفوذ در هند - پاسیفیک پی‌جویی می‌کند، رفتاری که باعث تحمیل هزینه‌های سنگین به متحدان این دولت (آمریکا) شده است. افزون بر آن، طبق سند مزبور این دولت تمایل دارد که متحدانش را زیر چتر امنیتی خودش قرار دهد، که در این میان، از طریق سیاست اتصال پایگاه‌های صنعتی خود به مراکز مربوطه و دنبال کردن زنجیره‌های تامین دفاعی و ارائه فناوری‌های پیشرفته به متحدان خود، به تقویت رابطه با متحدان خود ادامه می‌دهد (The White House, 2022). ناگفته نماند که چین ۱۲ زیردریایی هسته‌ای و ۴۷ زیردریایی معمولی با ۳ ناو هواپیمابر در اختیار دارد (London, 2022). ناگفته پیداست که رویکرد مهار پکن در همپوندی با اصول سیاست خارجی بایدن خاصه «تجدید روابط با متحدان و گسترش قدرت در سراسر منطقه هند-پاسیفیک» (The White House, 2022)، نیز قرار داشته و فرصتی است برای تضمین امنیت ایالات متحده در سایه دور نگه داشتن تهدیدها از خاک آن (Edel, 2021). در این ارتباط، بیان شده که از آنجا که آکوس اساساً یک ائتلاف امنیتی سه جانبه در سیاست بین‌الملل سنتی محسوب می‌شود، نشانه‌هایی از اتحاد در دوره جنگ سرد را نیز به همراه دارد و هر چند آکوس به خوبی نشان‌دهنده تغییر در استراتژی جهانی این دولت بر محور «توانمندسازی متحدان بویژه از بعد قابلیت‌های نظامی» در حوزه هند - پاسیفیک است؛ اما به دلایل

«درگیر کردن چین به عنوان رقیبی خاص از موضع قدرت» و «تعهد به تسلیحات هسته‌ای»، تداعی کننده منطق جنگ سرد محور می‌باشد (Cheng, 2022:1,2).

در همین راستا، برخی از ایجاد آکوس در راستای «تغییر بزرگ در استراتژی جهانی آمریکا» سخن گفته‌اند، تحولی که به سوی کنترل دریاها سوق یافته است. به زعم اینان، ریشه دگرگونی مزبور را باید در بروز «دو واقعیت برگشت‌ناپذیر» دانست: دشواری غیرقابل توقف و معکوس کردن روند رشد چین و فقدان اعتماد به نفس لازم در میان رهبران آمریکا برای مهار چین به ویژه در اوراسیا. در این خصوص به چند مؤلفه دیگر نیز توجه شده: «همکاری استراتژیک جامع» میان چین و روسیه (دو قدرت زمینی اوراسیا) که به سختی می‌توان متزلزل نمود؛ تشدید شکاف و نوعی بیگانگی میان آمریکا و اروپا که از زمان ترامپ بیشتر شده و وقوع برگزیت به مثابه «پایان عصر کنترل اروپایی بر دریا» (که به مقطع تاریخی انقلاب صنعتی باز می‌گردد)، که این اتحادیه را به سوی استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر ایالات متحده با اتکای بر رهبری قدرت‌های زمینی آلمان و فرانسه سوق می‌دهد. در این راستا، آکوس اساساً سنگ‌بنای راهبرد جدید آمریکا مبنی بر "عقب‌نشینی با هدف پیشروی" می‌باشد. هدف اساسی آن فرماندهی دریاها و سپس حفظ تسلط راهبردی در امور بین‌الملل به ویژه در رقابت با چین است. بنابراین، فرماندهی دریای آزاد و باز در چارچوب آکوس، فرصت «ابتکار عمل استراتژیک» را در اختیار آمریکا (و دو متحد دیگر) قرار داده و در این میان، ایالات متحده در سایه برخورداری از عمق استراتژیک در اقیانوس‌های اطلس و آرام و نیز امکان انجام آزادانه مانور نظامی نیروی دریایی در مناطق مزبور، از امنیت بیشتری برخوردار خواهد شد (Cheng, 2022:3). تحلیلگرانی که صرفاً از منظر نظامی به پیمان یاد شده توجه کرده‌اند، برای پاسخ به این پرسش که «چگونه ایالات متحده از اتحاد نظامی خود با استرالیا به عنوان یک استراتژی توازن قدرت برای مقابله با نفوذ چین در منطقه هند-پاسفیک استفاده کرده است؟»، بر دو روش تأکید دارند: «موازنه قدرت» به عنوان انتخابی در مسیر استفاده از اتحاد برای کنترل موثرتر بر منطقه، و دیگری «اتحادهای نظامی» به عنوان بخشی از استراتژی موازنه قدرت آمریکا برای پاسخ به نفوذ چین در منطقه (Rudy and Montolalu, 2022).

بنابراین، در قالب این مفهوم، آمریکا با استفاده از استرالیا برای کمک متقابل در شرایطی که نفوذ قاطع چین در منطقه تهدیدی برای امنیت و ثبات منطقه است، رویکرد آمریکا به چشم‌اندازش

در منطقه هند-پاسفیک را تحقق بخشید. نکته نهایی را به علت علاقه کنگره به آکوس اختصاص می‌دهیم، که در این مورد به نقش کنگره در اعمال نظارت بر پیمان‌های ایالات متحده با استرالیا و بریتانیا و همچنین نظارت آن بر استراتژی دولت در قبال منطقه هند - پاسفیک در زمان افزایش رقابت با چین، توجه شده است. ناگفته نماند که بسیاری از اعضای کنگره بخشی از انجمن دوستان استرالیا و همچنین انجمن بریتانیای کبیر، گروه پارلمانی بریتانیای آمریکا و پیمان تازه تاسیس آکوس هستند (Mix and Vaughn, 2022).

استرالیا و آکوس

استرالیا به عنوان قدرتی میانه در منطقه، در سایه مشارکت در اتحاد آکوس، با فرصت‌ها و تهدیدات گوناگونی مواجه شده: اولاً بعد از آخرین باری که آمریکا در سال ۱۹۵۸ ناوگان زیردریایی در اختیار متحد نزدیکش یعنی بریتانیا قرار داد، به عنوان اولین اقدام در چارچوب ترتیبات امنیتی آکوس، ایالات متحده متعهد شد که یک ناوگان زیردریایی هسته‌ای (SSN) را به منظور تقویت توانایی‌های دفاعی در اختیار استرالیا قرار دهد. در خصوص اهمیت نکته مزبور، برخی بیان داشتند که تعهد آمریکا و انگلیس برای تسهیل دستیابی استرالیا به ناوگانی مجهز به سوخت هسته‌ای با حداقل ۸ قایق برای جایگزینی ناوگان قدیمی در کلاس کالینز، استرالیا را به هفتمین قدرت نظامی جهان با زیردریایی هسته‌ای تبدیل خواهد کرد. از نقطه نظر استرالیا، آکوس آماده "تقویت" موقعیت استرالیا به همراه اتحاد کواد و پنج چشم است، که به وضوح بسیار فراتر از پیکربندی مناسب یک قدرت میانی است. سوم آنکه، کمک به تغییر اقتصاد داخلی استرالیا. نخست‌وزیر این دولت (اسکات موریسون) در سال ۲۰۲۱ از این پیمان به عنوان "بزرگ‌ترین ابتکار استرالیا برای دستیابی به این اهداف از زمان اتحاد آنزوس" یاد کرد و رابطه دو کشور را "شراکتی همیشگی برای زمانی جدید بین قدیمی‌ترین و مورد اعتمادترین دوستان" دانست. این موضوع نشان‌دهنده اشتیاق استرالیا به طرح قدرت برای شکل دادن بیشتر محیط امنیتی به نفع خودش، افزایش جایگاه و نفوذ در سیستم اتحاد آمریکا و افزایش هویت آنگلو ساکسونی آن است (Cheng, 2022: 1).

ثانیاً، استرالیا در راستای این باور که منطقه هند - پاسفیک نوعی "مرکز رقابت استراتژیک" بویژه در عرصه‌های اقتصاد و دفاع باید دانسته شود (Australian Government, 2021)، در

پی مشارکت در مدیریت موازنه قدرت منطقه است؛ دغدغه‌ای که مشارکت در ترتیب امنیتی آکوس را پذیرفتنی می‌نماید (PWC Australia, 2022)، و نکته نهایی اینکه مشارکت در آکوس، به استرالیا کمک خواهد کرد تا از فعالیت دریایی خود محافظت کند و با پویایی رو به رشد در منطقه هند - پاسیفیک که آن را به عنوان مرکز رقابت استراتژیک می‌بیند، مقابله کند (Australian Government Department of Defense, n.d). در این ارتباط، بیان شده که استرالیا از رهگذر برخورداری از زیردریایی‌های هسته‌ای، از محدودیت (یا انزوای) ژئوپلیتیکی حاصل از اقیانوس‌های هند و آرام جنوبی رها شده و به سرعت به یک قدرت استراتژیک ارتقا خواهد یافت. ناگفته نماند که مناطق یاد شده نه تنها موانع امنیتی طبیعی استرالیا هستند، بلکه ایده - آل‌ترین مکان مخفی و فضای مانور را برای زیردریایی‌های هسته‌ای این کشور فراهم می‌کنند. افزون بر آن، در صورت نیاز، زیردریایی‌های هسته‌ای آن می‌توانند به صورت مخفیانه در هر زمان، از اولین زنجیره جزیره‌ای در اقیانوس آرام غربی به مقابله با دشمن پردازند تا به محاصره خطوط دریایی اصلی توسط آمریکا کمک کنند. توجه به این نکته شایسته است که هر چند ژاپن از استرالیا قدرتمندتر بوده و هم پیمان امریکا نیز می‌باشد؛ اما به دلیل نزدیکی به چین و روسیه، صرفاً پایگاهی برای آمریکا (نه پایگاهی ایده‌آل برای کنترل دریایی) تعریف شده است (Cheng, 2022:3).

ثالثاً با توجه به نکات بالا، می‌توان گفت که این دولت در موقعیت اول آمریکا برای پیشبرد استراتژی هند - پاسیفیک و در واقع، به عنوان لنگرگاه استراتژیک کلیدی در منطقه اقیانوس آرام جنوبی، قرار دارد. وضعیت مزبور دستور کار رفتاری خاصی را نیز در برابر کابرا قرار می‌دهد، از جمله محکوم بودن به همکاری با ادعاهای مختلف ایالات متحده در منطقه هند - پاسیفیک. نکته مهم به مواردی مربوط است که «مغایر با منافع ملی» این دولت جلوه می‌کند، آنچه که به ترجیح پذیرش خطرات حاصل از قطع رابطه با فرانسه باز می‌گردد. در این مورد، دلایل اصلی مطرح شده (توسط استرالیا) عبارتند از: اولاً «ناتوانی پاریس در زمینه ارسال زیرساخت‌های هسته‌ای در شرایط بروز بحران‌های استراتژیک در سطح منطقه»؛ آنهم در شرایط نگران کننده کنونی (که به زعم رهبران این دولت به اندازه دهه ۱۹۳۰ خطرناک است)، ثانیاً نارضایتی استرالیا از قابلیت‌های تکنولوژیک و توانمندی فنی فرانسه در زمینه بهسازی شش زیردریایی قدیمی کلاس کالینز و کل

برنامه جایگزینی زیردریایی این دولت، آنچه که در طول دو دهه گذشته توسط دولت‌های مختلف لیبرال و کارگر (فرانسه) اجرا شده و مطابق استانداردهای مورد نظر کانبرا نبوده و به همین دلیل تجربه همکاری یاد شده را نوعی «شکست ملی» قلمداد نموده. افزون بر این، استرالیا مدعی است که چالش‌های یاد شده باعث شده که این دولت نتواند تا سال ۲۰۵۰ ناوگان زیردریایی‌های متعارف پس از کالیتز را به کار بگیرد (Mole, 2021).

نکته یاد شده یعنی لطمه به منافع ملی استرالیا، در ارتباط با چین هم مشاهده می‌شود؛ چرا که این دولت به منظور حمایت از هژمونی آمریکا، مایل بوده که پیشگام مبارزه علیه چین باشد، رویکردی که به کاهش شدید همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان دو دولت می‌تواند منجر شود. در این مورد کوشش شرکت‌های آمریکایی برای جبران سریع بازار از دست رفته استرالیا در چین قابل توجه است (Davis, 2021). در همین زمینه، رهبران این دولت کاهش وابستگی صنایع دفاعی به چین را هم در دستور کار دارند. این شیوه رفتاری در کنار مساعدت‌های نظامی آمریکا در قالب انتقال فناوری نظامی پیشرفته مربوط به حوزه‌هایی مانند موشک‌های مافوق صوت و هواپیماهای بدون سرنشین نظامی، به ارتقاء کیفی و کمی بنیه دفاعی استرالیا کمک خواهد کرد. نکته‌نهایی اینکه استرالیا با نوعی «معضل هویتی» نیز مواجه است، به این معنا که در وضعیت مبهم "نه شرقی و نه غربی" قرار داشته و به عبارتی «بدن آن در آسیا، اما روح آن در جهان دموکراسی-های آنگلو ساکسون (بریتانیا و آمریکا) موج می‌زند». بر این مبنا، مشارکت آن در اتحاد امنیتی آکوس، نگرانی ناشی از هویت استرالیایی را تا حد زیادی کاهش داده و به امن‌ترین مکانیزم همکاری برای استرالیا تبدیل خواهد شد (Cheng, 2022:2).

بریتانیا و آکوس

در مورد بریتانیا، از زمان خروج از شرق سوئز و بویژه پس از موضوع برگزیت، برای این دولت اهمیت داشته که بمنظور حفظ نقش خود به عنوان بازیگر امنیتی در این منطقه مشارکت داشته باشد. در واقع، لندن با مشارکت در پیمان آکوس، از مزیت‌های متعددی برخوردار شد: دستیابی به موقعیت مناسبی برای زیردریایی‌های هسته‌ای خود در استرالیا، که در نهایت به یک نیروی دریایی قوی‌تر در هند - پاسیفیک دست خواهد یافت (Camroux, 2021)؛ انعقاد قرارداد با شرکت صنایع دفاعی و هوافضایی «BAE Systems» و شرکت صنایع انرژی، هوافضایی و

جنگ‌افزاری «Rolls-Royce» بمنظور طراحی جدید زیردریایی‌های هسته‌ای برای نیروی دریایی سلطنتی. با این حال، تصمیم ناگهانی در مورد لغو قرارداد خرید زیردریایی از فرانسه، نه تنها باعث بی‌اعتمادی بین استرالیا و فرانسه شد، بلکه بریتانیا را نیز از قاره اروپا دور کرد. پیش از این خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، زنجیره‌ای از رویدادها را در مورد چگونگی حفظ رابطه میان لندن و پاریس ایجاد کرده بود، لغو قرارداد دفاعی باعث بی‌اعتمادی بیشتر بین این دو شده و نیز اختلافات دیپلماتیک بین بریتانیا و فرانسه ادامه یافت (Zaman and Yasmin, 2022:7).

دیدگاه‌های انتقادی نسبت به دستاوردها و پی‌آمدهای آکوس

در این بخش شایسته است که به طیفی از نظراتی توجه کنیم که از زاویه نقادانه به پیمان آکوس نگرسته و برخی از مهمترین پی‌آمدهای منفی یا چالش برانگیز آن را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث قرار داده‌اند:

آکوس؛ باز کردن جعبه پاندورای اشاعه هسته‌ای و افزایش هزینه‌های دفاعی در منطقه: هر چند در روند واگذاری قابلیت زیردریایی هسته‌ای به استرالیا، بر رعایت بالاترین استانداردهای مربوطه جهت تضمین قوانین منع اشاعه هسته‌ای، تأکید شده است (Australia Government Department of Defence, 2022)، اما اقدام مزبور به مقدمه‌ای برای انتقاد از سیاست یک بام و دو هوای امریکا در حوزه منع اشاعه تبدیل شده. در این مورد دیدگاه‌های زیر قابل توجه است:

- آکوس برهم‌زننده نظم منطقه‌ای

ظهور هسته جدید آنگلو ساکسون با افزایش بالقوه رقابت تسلیحاتی، افزایش تنش‌های منطقه‌ای و تضعیف نهادهای مرتبط با عدم اشاعه سلاح هسته‌ای، نظم منطقه‌ای را برهم زده است (Cheng, 2022: 1).

مختل‌سازی روند امنیت بین‌المللی از طریق متزلزل‌سازی مبانی رژیم منع اشاعه هسته‌ای

با این که زیردریایی هسته‌ای نه سلاح هسته‌ای است و نه یک وسیله انفجاری هسته‌ای، اما پتانسیل حمل سلاح‌های هسته‌ای را دارد که متعلق به پلتفرم لازم برای ارسال سلاح‌های کشتار

جمعی است. افزون بر آن، زیردریایی‌های هسته‌ای به طور جدایی‌ناپذیری با سلاح‌های هسته‌ای در ارتباطند. در این مورد، دو وضعیت متصور است: اول اینکه اگرچه ان پی تی صراحتاً انتقال فناوری هسته‌ای را منع نمی‌کند، اما آمریکا و انگلیس به عنوان کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای، آشکارا به استرالیا که یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای است، برای دستیابی به فناوری زیردریایی هسته‌ای نظامی کمک می‌کنند؛ دوم اینکه ماهیت پیمان آکوس با به اشتراک گذاشتن فناوری هسته‌ای حساس توسط آمریکا و بریتانیا با استرالیا برای کمک به دستیابی به ناوگان زیردریایی‌های هسته‌ای (SSNs) آغاز می‌شود. این درحالی است که براساس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دستیابی به این فناوری ممنوع است، چرا که زیردریایی‌های آمریکا و انگلیس با اورانیوم ۹۳ تا ۹۷ درصد غنی‌سازی می‌شوند که به عنوان سلاح هسته‌ای محسوب می‌شود. ۱ هر دو وضعیت یاد شده به وضوح با اهداف و تعهدات مختلف رژیم منع اشاعه در تضاد است. به عبارت دیگر، آکوس از حفره موجود در ان پی تی استفاده کرده و هر چند از خط قرمز آن عبور نکرد، اما در واقع پا روی آن گذاشت و بدین ترتیب جعبه پاندورا را برای تکثیر گشود. علاوه بر این، موضوع امنیتی مواد حساس هسته‌ای درگیر در انتقال فناوری و احتمال گسترش بیشتر تسلیحات هسته‌ای توسط استرالیا، همچنان منبع نگرانی گسترده بین‌المللی خواهد بود. لازم به ذکر است که استرالیا سابقه ساخت بمب‌های اتمی را دارد و اولین آزمایش‌های هسته‌ای بریتانیا در استرالیا انجام شد. همچنین می‌تواند منجر به گسترش فناوری غنی‌سازی اورانیوم شود. هر دو زیردریایی هسته‌ای آمریکا و انگلیس از اورانیوم بسیار غنی شده استفاده می‌کنند و استرالیا غنی از ذخایر اورانیوم است. اگر دو دولت یاد شده فناوری غنی‌سازی اورانیوم را به استرالیا منتقل کنند تا این کشور در سوخت هسته‌ای خود کفا شود، تا حدودی با بازار سیاه هسته‌ای بین‌المللی (که در اوایل دهه ۲۰۰۰ به وجود آمد)، برابری خواهد کرد. از این رو، اقدام آمریکا، انگلیس و استرالیا در به اشتراک گذاشتن فناوری هسته‌ای نظامی در یک دایره کوچک، جامعه بین‌المللی را پر از تردید در مورد اقتدار رژیم بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای کرده است. این امر ممکن است حل مساله هسته‌ای کره و ایران را دشوارتر کند و انگیزه دیگر کشورهای غیرهسته‌ای برای دستیابی به فناوری هسته‌ای نظامی را بیشتر کند و در نتیجه خطرات بی‌پایان و تاثیر منفی عمیقی بر امنیت و ثبات بین‌المللی ایجاد کند (Cheng, 2022:5).

۱. لازم به ذکر است به دلایل فنی، استرالیا تا سال ۲۰۴۰ این زیردریایی‌ها را دریافت نخواهد کرد.

تشدید رقابت میان بازیگران منطقه‌ای در حوزه بودجه دفاعی

کشورهای مربوطه در منطقه آسیا-پاسفیک به طور رقابتی در حال گسترش تسلیحات، انجام تمرینات نظامی مکرر و خرید تسلیحات پیشرفته هستند؛ وضعیتی که شرایط صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای را نگران‌کننده‌تر جلوه می‌دهد. برای مثال، کره جنوبی حدود ۴۸ میلیارد دلار به بودجه دفاعی سال ۲۰۲۱ خود اختصاص داد که حدود ۹,۴ درصد از هزینه‌های دولت این کشور بود (Lee, 2021). نخست‌وزیر ژاپن هزینه‌های دفاعی در بودجه تکمیلی سال مالی ۲۰۲۱ را تصویب کرد (Takahashi, 2021). این درحالی است که تخصیص کلی بودجه دفاعی هند برای سال ۲۰۲۱ - ۲۲ شاهد افزایش حدود ۱,۴ درصدی بوده است که هنوز هم قابل توجه است و نشان‌دهنده تغییر اولویت‌های دولت با در نظر گرفتن تاثیر اقتصادی منفی پاندمی است (Rajagopalan, 2021). سنگاپور از تخصیص جدید بودجه دفاعی برای سال ۲۰۲۱ خبر داد که حدود ۱۵ درصد از کل بودجه دولت را شامل می‌شود و نسبت به بودجه دفاعی بازنگری شده ۲۰۲۰ افزایش ۱۲,۷ درصدی را نشان می‌دهد (Grevatt & MacDonald, 2021). فیلیپین بودجه دفاعی سال ۲۰۲۱ را اعلام کرد که نشان‌دهنده افزایش ۱۱ درصدی نسبت به تخصیص اصلی برای سال ۲۰۲۰ است (Grevatt & MacDonald, 2020). وزارت دفاع مالزی نیز در بودجه سال ۲۰۲۱ افزایش ۱,۸ درصدی اعتبارات را داشته، فیلیپین، مالزی، ویتنام و دیگر کشورها نیز همگی برای خرید سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته درخواست داده‌اند (Strangio, 2020; Tran, 2020; Abas & Cazalet, 2021). در این ارتباط، به این نکته هم توجه شده که افزایش قابلیت حمله زیر آب استرالیا، برای همسایگان ناخوشایند است؛ وضعیتی که به زیاده‌طلبی دولت‌های منطقه در حوزه دفاعی منجر شده و لاجرم به مشکلات رفاهی و اقتصادی آنان دامن می‌زند. این وضعیت می‌تواند به نوعی دور باطل از رقابت‌های تسلیحاتی دامن‌زنند. به همین دلیل بیان شده که تضمین آمریکا برای "صلح، امنیت و ثبات در منطقه" تنها ژستی فریبکارانه به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، این واقعیت که آمریکا فناوری نظامی مورد مناقشه هند را به استرالیا منتقل کرده است و می‌داند که چنین اقدامی به ناچار جنجال بین‌المللی را شعله‌ور خواهد کرد، نشان‌دهنده عزم این کشور برای تغییر تمرکز استراتژیک به منطقه هند - پاسفیک است (Ceng, 2022:3, 5,6).

پیمان آکوس؛ به مثابه "لحظه حقیقت" برای اروپا

هر چند بحث درباره «استقلال استراتژیک اروپا» ایده جدیدی نیست، اما تصمیم استرالیا برای تغییر اولویت‌های دفاعی خود از فرانسه به انگلیس، ایده «سازوکار دفاعی اروپا» را بر محور استقلال امنیتی از هر نیروی خارج اروپا، احیا کرد.^۱ در واقع، پیمان آکوس - که به عنوان "لحظه حقیقت" برای اروپا نامیده می‌شود - موج دیگری از برداشت‌های معطوف به ضرورت استقلال نظامی از آمریکا را ایجاد کرد. بر این پایه، نقش آکوس را می‌توان به عنوان ایجاد کننده تفرقه بیشتر در اروپا و همچنین نظامی‌سازی احتمالی این قاره که تاکنون دو جنگ ویرانگر جهانی را تجربه کرده است، ارزیابی کرد (Zaman and Yasmin, 2022:7).

آکوس، نماد ائتلافی بی‌هدف، در بستر نظم بین‌المللی بی‌ثبات و مسئله‌محور

به زعم برخی پیمان آکوس نمادی از ویژگی‌های نظم بین‌المللی قرن جدید باید تلقی گردد، نظامی واجد ویژگی‌های ناپایداری همراه با ماهیتی کوتاه‌مدت و مبتنی بر موضوع^۲. به همین دلیل نیز اتحاد مزبور هر چند با وعده‌های زیادی آغاز شده، اما بدون هدف و مقاصدی مشخص می‌باشد. در واقع، بحث اساسی آن برای مقابله با ظهور چین در منطقه هند-پاسفیک بوده (اگر چه به نام این کشور اشاره نمی‌کند)، هدفگذاری که غیرعملی است. در جهت اثبات این ادعا به نافذیت نقش و جایگاه چین در عرصه اقتصاد و تجارت بین‌المللی و تجربه «گروه اشتراک اطلاعات فایو آیز» (کشورهای انگلیسی زبان/ ۱۹۴۶) توجه شده. بر این پایه، هر چند ممکن است که آکوس از «آزمون زمانه»^۳ به عنوان نمونه‌ای از الگوی نظم بین‌المللی کنونی، موفق بیرون آید، اما کماکان نمی‌توان مسیر و دورنمایی روشن برای آن متصور بود (Zaman and Yasmin, 2022:1). در این ارتباط، ضمن تأکید بر وجود دو نسخه غربی و چینی نظم‌های بین‌المللی، به استدلال‌هایی توجه شده که برای تبیین الگوی رفتاری چین بجای تعبیر «قدرت انقلابی» از برداشت «قدرت تجدیدنظرطلب» استفاده می‌کنند (Rapp-Hooper and others, 2021). افزون بر آن، بر تجربه سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ می‌توان اشاره کرد که نمادی از عقب‌نشینی این دولت از انجام مسئولیت‌های جهانی دانسته شده، درحالی که چین قصد دارد به عنوان یک قدرت مسئول و نگهبان نظم بین‌المللی عمل کند (Walt, 2021).

۱. ناگفته نماند که دو واقعه روی کار آمدن ترامپ (سیاست "اول آمریکا") و خروج آمریکا از افغانستان، نیز بحث استقلال‌طلبی امنیتی را در اروپا دامن زد.

2. issue-based
3. Test of time

این موضوع ما را به مساله سیالیت در ماهیت نظم بین‌المللی و محیط استراتژیکی می‌رساند که در قرن ۲۱ شاهد آن هستیم. قرن بیست و یکم شاهد مانورهای دیپلماتیک قابل توجهی با تعدادی از پیمان‌ها بود؛ سازمان‌های همکاری شکل گرفتند که هم ایده منطقه و هم انگیزه‌های شکل‌گیری چنین چارچوب‌هایی را بازتعریف کردند. ایجاد بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) - با ایجاد کواد (ایالات متحده، ژاپن، هند و استرالیا)، جایی که چین را به عنوان کشور برهم‌زننده نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون، هدف قرار می‌دهد، در تضاد است. آمریکا همچنین استراتژی هند - پاسیفیک آزاد و باز (FOIP) ۱ خود را به عنوان جایگزینی برای کشورهای شرق آسیا برای مقابله با سلطه چین در منطقه هند - پاسیفیک پیش می‌برد (Zaman and Yasmin, 2022: 1,3-4). این مقاله استدلال می‌کند که آکوس دارای روندهای قابل مشاهده در الگوهای تشکیل اتحاد و ترتیبات همکاری قرن بیست و یکم است، که مبتنی بر منافع کوتاه‌مدت هستند و بنابراین، به ندرت کارکرد واقعیشان را نشان داده‌اند.

عضویت استرالیا در آکوس، نماد تداوم پایبندی به ذهنیت جنگ سرد

با این حال، تصمیم استراتژیک به ظاهر هوشمندانه دولت موریسون برای پیوستن به ارابه آمریکایی به تدریج استرالیا را به وضعیتی سوق می‌دهد که خود را از آسیا و اروپا جدا کند. در زمانی که بسیاری از کشورهای منطقه برای حفظ صلح و ثبات تلاش می‌کنند، استرالیا هنوز به ذهنیت جنگ سرد پایبند است و تنش‌ها را افزایش می‌دهد. حرکات استرالیا به جای خاموش کردن شعله منطقه، تنها باعث اضافه شدن سوخت به شعله می‌شود که در نهایت خود را خواهد سوزاند. کیتینگ نخست‌وزیر سابق استرالیا خاطرنشان کرد که برای دولت موریسون مایه شرمساری است که آینده استرالیا را به آمریکا بسپارد. سیاست سیاستمداران استرالیایی در مورد استفاده ایالات متحده به عنوان خوراک توپ چیزی جز به دست آوردن سرمایه سیاسی کوتاه مدت به هزینه ملت و مردم استرالیا نیست. درس‌های ویتنام و افغانستان خیلی دور نیستند، اما در مقایسه با عزم کنونی استرالیا برای مسلح کردن خود به عنوان میدان جنگ، چیزی نیستند (Cheng, 2022: 2).

1. Free and Open Indo-Pacific Strategy

آکوس و چالش آفرینی برای آسه‌آن

به زعم برخی تحلیلگران، آکوس آسه‌آن را از سه جهت با چالش مواجه می‌کند. اول از همه، آسه‌آن در یک «معضل امنیتی» گرفتار خواهد شد؛ از یک سو، تامین زیردریایی‌های هسته‌ای توسط آمریکا و بریتانیا برای استرالیا قطعاً دور جدیدی از رقابت تسلیحاتی را در منطقه ایندو-پاسیفیک رقم خواهد زد؛ آنهم در شرایطی که زیردریایی‌های هسته‌ای، نسبت به زیردریایی‌های متعارف و دیگر انواع شناورهای سطحی که از ابتدای قرن بیست و یکم از سوی مالزی، اندونزی، ویتنام و دیگر اعضای آسه‌آن خریداری شده، مزایای بسیار بیشتری دارد، بویژه از ابعاد توانایی گشت‌زنی قوی، سرعت بالای ناوبری و امکان تجهیز به موشک‌های هسته‌ای، بنابراین تهاجمی بودن، کشنده و بازدارندگی آن‌ها قابل مقایسه نیست. از سوی دیگر، با ایجاد آکوس، یک "غول" از جنوب شرقی آسیا تا اقیانوس آرام جنوبی ظهور کرده و «استراتژی توازن قدرت» کشورهای آ-سه‌آن را که همواره برای تضمین امنیت منطقه مورد تأکید بود، مختل می‌نماید. ناگفته نماند که در مقایسه با اتحادیه اروپا، یکپارچگی سیاسی و امنیتی آسه‌آن هنوز در سطح پایینی قرار داشته و سیاست‌های مشترک امنیتی، خارجی و دفاعی بین اعضا شکل نگرفته. بر این پایه، کشورهای عضو برای جستجوی «امنیت مشترک» بجای «دفاع دسته‌جمعی»، تنها می‌توانند بر ظرفیت‌سازی مستقل نظامی تکیه کنند. معضل امنیتی یاد شده می‌تواند (حداقل به طور بالقوه) باعث تضعیف پیگیری‌های معطوف به ایجاد "منطقه آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای" و کمک به "صلح و امنیت بین‌المللی"، گردد. ناگفته نماند که در دسامبر ۱۹۹۵، اعضای آسه‌آن پیمان منطقه‌ای از سلاح هسته‌ای جنوب شرقی آسیا را امضا و ممنوعیت تولید، آزمایش و مالکیت سلاح‌های هسته‌ای را اعلام کردند. ثانیاً، آکوس رقابت شدید بین قدرت‌های بزرگ در منطقه را تشدید می‌کند و خطر بالقوه مسابقه تسلیحاتی و رویارویی قدرت‌های بزرگ را بالفعل، و صلح و ثبات منطقه را به خطر می‌اندازد. برای کشورهای آسه‌آن، چگونگی حفظ «مرکزیت» بدون آسیب دیدن از گرداب رقابت قدرت‌های بزرگ، همواره موضوعی غیرقابل حل در سطح دیپلماتیک و استراتژیک بوده است. اگرچه آمریکا بارها تأکید کرده است که قصد ندارد کشورهای آسه‌آن را مجبور به انتخاب بین چین و آمریکا کند، اما ایجاد اتحاد آکوس نشان از شکل‌گیری اردوگاه ضد چینی به رهبری آمریکا در منطقه دارد.

در این مورد لازم به ذکر است که آسیای جنوب شرقی نقش مهمی در تعیین آینده آسیا داشته و در عین حال، آمریکا همواره نسبت به ایفای نقش به عنوان تنها قدرت در منطقه آسیا-اقیانوسیه حساس بوده؛ لذا از یک سو، ایالات متحده به راحتی نخواهد پذیرفت که سیاست مهار آن علیه چین به دلیل عدم همکاری آسه آن به خطر افتد یا حتی مانع آن شود، و از سوی دیگر، چین همسایه طبیعی آسه آن و شریک اقتصادی و تجاری غیرقابل جایگزینی بوده است. آسه آن به خوبی آگاه است که هر گونه تلاش برای "جانبداری" از استراتژی آمریکا، زمینه ساز نابودی خودش خواهد شد یا حداقل پی آمدهای سختی به همراه خواهد داشت. سوم، آکوس مانع از روند ادغام سیاسی و امنیتی آسه آن خواهد شد؛ بویژه از این زاویه که پاسخ های اعضای آن به آکوس متفاوت بوده است: وزیر امور خارجه فیلیپین، از آکوس حمایت می کند (Mustafa, 2021). اما نخست وزیر مالزی، نگران این است که آکوس یک مسابقه تسلیحات هسته ای در منطقه مورد مناقشه هند-پاسفیک ایجاد کند (Lamb & Beo Da Costa, 2021). به طور کلی، تفاوت در سیاست گذاری امنیتی، تقاضاهای متفاوت برای حفاظت امنیتی و همکاری از سوی ایالات متحده، و شناخت های گوناگون از تهدیدات چین به طور مستقیم به دیدگاه ها و واکنش های مختلفی در میان اعضای آسه آن نسبت به پیمان آکوس منجر می شود. اتخاذ موضع مشترک در قبال توافق آکوس برای کشورهای آسه آن دشوار است و مواضع دو قطبی در میان آن ها مانع از روند همگرایی سیاسی و امنیتی منطقه ای و تحقق طرح اولیه طرح جامعه سیاسی - امنیتی آن که سال ۲۰۲۵ را هدف گذاری کرده، خواهد شد. همچنین آکوس با چشم انداز درخشان آسه آن از "هند-پاسفیک" همخوانی ندارد. در سال های اخیر "هند - پاسفیک" در میان بسیاری از بازیگران این منطقه محبوبیت پیدا کرده است. آسه آن نیز در سال ۲۰۱۹ چشم انداز خود را در مورد اقیانوس هند منتشر کرد. به عبارت دیگر، بر مبنای نگرش محوری آسه آن، هند-پاسفیک یک منطقه "گفتگو و همکاری به جای رقابت" و یک "منطقه توسعه و رفاه برای همه" بوده و بر این مبنای، حفظ و تحکیم نقش مرکزی و استراتژیک آسه آن به عنوان یک چارچوب چندجانبه منطقه ای، هدف اصلی این سازمان است. اما در مقابل، پیمان امنیتی آکوس به واسطه ماهیت بسته و خصمانه اش، نه تنها پیمانی فرسایشی و مغایر با اهداف آسه آن بوده بلکه نوعی حرکت تحریک آمیز و اقدامی آشکار علیه نقش کانونی آسه آن می باشد (Cheng, 2022: 4,5).

آکوس و درگیرسازی چین در «موازنه تهدید»

مبحث نظری «موازنه تهدید» بیش و مقدم بر تظاهر کمی و ملموس منابع تهدید، به نوع و چگونگی برداشت بازیگر مفروض در مورد نیت و اقدامات (احیاناً تهدیدآمیز) طرف مخاطب بستگی دارد. بر این پایه، هرچند هیچ یک از این سه کشور عضو آکوس در اظهارات خود به طور خاص نامی از چین نبرده‌اند، اما از منظر رهبران پکن، اتحاد مزبور تهدیدی هدفمند بوده و آن را نماد حرکتی تاریخی در جهت ایجاد "نسخه آسیا - اقیانوسیه ناتو" تلقی می‌کنند. بر این پایه، این سوال قابل طرح است که «چین تا چه میزان احساس تهدید می‌کند؟» در پاسخ، مواردی قابل تأمل است: اولاً چین فعال‌سازی کاربردی زیردریایی هسته‌ای را به مثابه تغییری مخرب در محیط امنیتی خود و همچنین صلح و ثبات بین‌المللی در نظر خواهد گرفت؛ پدیده‌ای با قابلیت تهدیدسازی مضاعف (از وضعیت صرفاً تهدید نظامی). ثانیاً این احتمال وجود دارد که دیگر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بویژه کواد و یا دیگر دولت‌ها خاصه ژاپن، در فضای ملتهب حاصل از نقش‌آفرینی آکوس در صدد الگوبرداری از آن بوده و بخصوص به دنبال دستیابی به فناوری زیردریایی هسته‌ای مثلاً در قالب اتحاد آمریکا - ژاپن یا مکانیسم همکاری سه جانبه آمریکا - ژاپن - استرالیا برآیند. در این شرایط، احتمال مقابله به مثل هدفمند از سوی پکن تقویت شده و بالطبع دیگر کشورهای منطقه را نیز به سوی تقویت نظامی‌گرایی سوق می‌دهد. دامنه این بحث به «حوزه تهدید توازن استراتژیک» نیز کشیده شده، به این معنا که زیردریایی هسته‌ای پس از استقرار در دریای چین جنوبی، باید به عنوان یک حلقه پیوندبخش در شبکه ضد زیردریایی هوایی، سطحی و زیرآبی که توسط ایالات متحده و متحدانش شکل گرفته، عمل کند، و در این میان، قصد آنها برای هدف قرار دادن زیردریایی هسته‌ای چین کاملاً مشخص است. برخی تحلیلگران بر این باورند که این امر تهدیدی برای توانایی مقابله به مثل هسته‌ای چین، تضعیف بازدارندگی استراتژیک آن بوده و در نتیجه باعث برهم زدن توازن استراتژیک موجود خواهد شد (cheng, 2022: 6).

نتیجه‌گیری

شبکه اتحادهای آمریکا یکی از ماندگارترین و موفق‌ترین بخش‌های سیاست خارجی آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم محسوب شده، تغییری جهت‌دهنده در چارچوب استراتژی امنیتی که در جهت سازگاری با رویدادهای بین‌المللی در دستور کار قرار می‌گیرد. رویه یاد شده یعنی

«تشکیل اتحادها و مشارکت‌های همکاری‌جویانه» به یکی از ویژگی‌های تعیین کننده قرن ۲۱ نیز تبدیل شده، البته با این قید که به نظر می‌رسد ماهیت اتحادها در قرن جدید و در عصر وابستگی متقابل پیچیده در سیال بودن، مبتنی بر منافع کوتاه مدت و برخورداری از نوعی شتابزدگی خلاصه می‌شود؛ تحلیلی که می‌تواند تا تمرکز بر روند شایع افزایش ناگهانی فعالیت‌های دیپلماتیک، تشکیل اتحاد و مسابقه تسلیحاتی، تسری یابد. همگام با شکل‌گیری اتحاد آکوس، موجی از تحلیل‌های متفاوت و حتی متعارض در مورد اهداف و پی‌آمدهای آن در سطوح ملی تا بین‌المللی بروز کرده. برخی آن را یادآور ابتکاراتی چون مکانیسم پنج چشم، (FVEY) دانسته و تأکید دارند که آنچه ایالات متحده علیه چین انجام می‌دهد تقریباً بازتولید استراتژی استفاده از ناتو به عنوان ابزاری برای بیرون راندن روسیه در اروپا از دهه ۱۹۹۰ است. بر این پایه، مدافع اطلاق آکوس به عنوان شاخصی از "جنگ سرد جدید" به ویژه در حوزه جغرافیایی هند-پاسفیک شده‌اند. با این وجود، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی که توسعه در مناطق آسیا-پاسفیک و هند-پاسفیک نیازمند صلح و همکاری است، نه بازدارندگی و کنترل و توازن؛ و نیز با این قید که در سایه تلاش‌های مستمر، آسیا - پاسفیک به پویاترین و امیدوارکننده‌ترین منطقه جهان و موتور محرک اصلی رشد اقتصادی جهان تبدیل شده و صلح، توسعه و همکاری چشم‌انداز مشترک منطقه آسیا - پاسفیک است، آکوس را نه می‌توان یک شکست پیش از آغاز دانست و نه می‌توان موفقیتی در خور پیش‌بینی‌ها قلمداد کرد. در این میان، نمی‌توان از پی‌آمدهای توافق یاد شده نسبت به ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران بویژه از بعد جهت‌گیری نگاه به شرق غافل شد. هویت‌یابی «مسأله مهار چین» به عنوان نقطه ثقل پیمان آکوس، سیاست‌های تهران در ارتباط با این دولت و نیز منطقه ایندو-پاسفیک را تحت تأثیر قرار داده. از سوی دیگر، در فضای ترسیم شده حاصل از شکل‌گیری این پیمان، این امکان متصور است که ابعاد نقش‌آفرینی پکن در چارچوب روابط میان ایران و آمریکا و نیز ایران و اروپا، با جلوه‌های دیگری مواجه گردد. در این مورد جهت‌گیری رهبری چین در ملاقات اخیر با بایدن و اصرار وی بر احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برد-برد میان دو دولت، قابل توجه است.

فهرست منابع

الف) فارسی

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، نظریه رئالیستی اتحاد و روابط بین‌الملل، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۶-۳۷ مورگنتا، هانس جی. (۱۳۸۴)، سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

ب) انگلیسی

- Abas, M. b., & Cazalet, M. (2021). Malaysian Army procures new weapons for its Infantry Battalions. Janes. <https://www.janes.com/defence-news/news-detail/malaysian-army-procures-new-weapons-for-its-infantry-battalions>.
- Adelia Alviani, A. Pedrason, R. Sudibyo. (2023). The neo-realism in aukus. International Journal Of Humanities Education And Social Sciences. Volume 2, Number 5, April 2023, Page. 1656 – 1661.
- Australia Government Department of Defence. (2022). FACT SHEET: Implementation of the Australia - United Kingdom - United States Partnership (AUKUS). <https://www.defence.gov.au/sites/default/files/2022-05/implementation-of-AUKUS.pdf>.
- Australian Government Department of Foreign Affairs and Trade. (2017). Australia-India-Japan-United States Consultations on the Indo-Pacific. Retrieved July 24, 2022, from <https://www.dfat.gov.au/news/media/Pages/aus-india-japan-us-consultations-on-the-indo-pacific>.
- Australian Government. (2021). Joint Media Statement: Australia to Pursue Nuclear-Powered Submarines Through New Trilateral Enhanced Security Partnership. <https://www.minister.defence.gov.au/statements/2021-09-16/joint-media-statement-australia-pursue-nuclear-powered-submarines-through-new-trilateral-enhanced-security-partnership>.
- Australian Government Department of Defense. (n.d.). AUKUS: Trilateral Security Partnership.
- Camroux, D. (2021). AUKUS: Why Britain Was the Big Winner? The Diplomat. <https://thediplomat.com/2021/12/aukus-why-britain-was-the-big-winner/>
- Congressional Research Service. (2020). Australia: Background and U.S. Relations. Washington DC. Retrieved from https://www.everycrsreport.com/files/2020-05-13_RL33010_daf266803091a23be44_5ac55738a2126d579d057.pdf.
- Cheng, M. (2022). AUKUS: The Changing Dynamic and Its Regional Implications. European Journal of Development Studies: <http://dx.doi.org/10.24018/ejdevelop.2022.2.1.63>.
- Larson, D. Bandwagon Images in American Foreign Policy: Myth or Reality in R. Jervis and J. Snyder, ed., Dominoes and Bandwagons. Strategic Beliefs and Great Power Competition in the Eurasian Rimland, (New York: Oxford University Press, 1991).
- Davis, M. (2021). Scott Morrison pleads with Joe Biden to send America's 26 million expiring Pfizer vaccines to Australia. Daily Mail Australia. <https://www.dailymail.co.uk/news/article-9869051/Covid-19-Australia-Scott-Morrison-begs-Joe-Biden-Pfizer-end-lockdown-hopes-dwind>.
- Edel, C. (2021). What Drove the United States to AUKUS? The Strategist. <https://www.aspistrategist.org.au/what-drove-the-united-states-to-aukus/> Federal Department of Foreign Affairs FDFA. (2008). ABC of Diplomacy. www.eda.admin.ch.
- Ford, L. W., & Goldgeier, J. (2021, January 25). Retooling America's Alliances to Manage the China Challenge. Retrieved May 19, 2021, from <https://www.brookings.edu/research/retooling-americas-alliances-to-manage-the-china-challenge/>.

- Grevatt, J., & MacDonald, A. (2020). Philippines outlines defence budget increase for 2021. Janes. <https://www.janes.com/defence-news/news-detail/philippines-outlines-defence-budget-increase-for-2021>.
- Grevatt, J., & MacDonald, A. (2021). Singapore announces budget increase for 2021. Janes. https://www.janes.com/defence-news/news-detail/singapore-announces-budget-increase-for-2021_15567.
- Lamb, K., & Beo Da Costa, A. (2021). Indonesia warns against arms race after Australian nuclear sub pact. Reuters. <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/indonesia-warns-against-arms-race-after-australian-nuclear-sub-pact-2021-09-17/>
- Lee, C. M. (2021). South Korea's military needs bold reforms to overcome a shrinking population. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/2021/06/29/south-korea-s-military-needs-bold-reforms-to-overcomeshrinking-population-pub-84822>.
- Lendon, B. (2022). Never mind China's new aircraft carrier, these are the ships the US should worry about. CNN News Online. <https://edition.cnn.com/2022/06/25/asia/china-navy-aircraft-carrier>.
- Martin Wight, *Power Politics*, (New York: Holmes & Maier, 1978), p.122.
- Mole, D. (2021). Nuclear submarines could lead to nuclear power for Australia. The Strategist. <https://www.aspistrategist.org.au/nuclear-submarines-could-lead-to-nuclear-power-for-australia/>.
- Mira Rapp-Hooper, Michael S. Chase, Mataka Kamiya, Shin Kawashima and Yuichi Hosoya, (2019), *Responding to China's Complicated Views on International Order*, Carnegie Endowment for International Peace, 10 October 2019, located at <<https://carnegieendowment.org/2019/10/10/responding-to-china-s-complicatedviews-on-international-order-pub-80021>>, accessed on 16 November, 2021.
- Mustafa, M. (2021) Philippines throws support behind AUKUS pact. Radio Free Asia. <https://www.rfa.org/english/news/china/pact-09212021152655.html>.
- PWC Australia, A. A. B. C. of C. (2022). Maximising Australia's AUKUS Opportunity. <https://www.pwc.com.au/defence/pwc-amcham-abcc-maximising-australias-aukus-opportunity.pdf>.
- Roche, E. (2020). Navies of India, Australia, Japan, US Start First Phase of Malabar Exercises. Retrieved May 23, 2021, from <https://www.livemint.com/news/india/navies-of-india-australia-japan-us-start-first-phase-of-malabar-exercises-11604412809894.html>.
- Rajagopalan, R. P. (2021). Amid China concerns, India boosts defense budget. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2021/02/amid-china-concerns-india-boosts-defense-budget/>
- Rudy, R. , & Montolalu, K. (2022). U.s. indo-pacific strategy: the utilization of the u.s. – australia military alliance as part of the u.s. balance of power strategy to respond to china influence in indo-pacific region. Montolalu/Jurnal Pertahanan Vol. 8 No. 2 (2022) pp. 222-233. Jurnal Pertahanan: Media Informasi ttg Kajian & Strategi Pertahanan yang Mengedepankan Identity, Nasionalism & Integrity (idu.ac.id).
- Schweller, R. (1994). Bandwagoning for Profit. Bringing the Revisionist State Back In, *International Security* 19:1 (1994), p.105.
- Walt, Stephen M. (2021). China Wants a 'Rules-Based International Order,' Too, Foreign Policy, 31 March, located at <<https://foreignpolicy.com/2021/03/31/china-wants-a-rules-based-international-order-too/>>, accessed on 31 March 2021.
- Strangio, S. (2020, November 23). Philippines close to Indo-Russian cruise missile purchase: Reports. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2020/11/philippines-close-to-indo-russian-cruise-missile-purchase-reports/>

- Takahashi, K. (2021). Japan approves record extra defense budget. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2021/11/japan-approves-record-extra-defense-budget/>.
- Tran, B. T. (2020). Understanding Vietnam's military modernization efforts. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2020/11/understanding-vietnams-military-modernization-efforts/>
- Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, July 1, 1968, 21 U.S.T. 483, 729 U.N.T.S. 161.
- The White House. (2021, September 15). Joint Leaders Statement on AUKUS. The White House. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2021/09/15/joint-leaders-statement-on-aucus>.
- The White House, W. (2022). INDO-PACIFIC STRATEGY OF THE UNITED STATES. United States Government US Navy. (2020). Naval Doctrine Publication (NDP) 1 Naval Warfare April.
- Vaughn, B., & Lum, T. (2015). Australia: Background and U.S. Relations. Washington DC. Retrieved from <https://sgp.fas.org/crs/row/RL33010>. Pdf.
- Vaughn, B. Mix.D.(2022), "AUKUS and Indo-Pacific Security". <https://crsreports.congress.gov>.
- Walt, Stephen M., (1987). The Origins of Alliances", Ithaca /New york.Press.p12.
- Zaman, R., Yasmin, L. (2022). The shape of the international order: the case study of AUKUS, Stosunki Międzynarodowe – International Relations.

